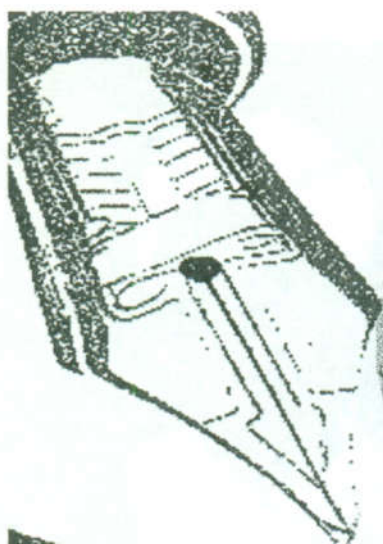


گفتگو با: حجة الاسلام و المسلمین علی رضا اعرافی



مسائل و مشکلات جوانان

در پرتو (۲)

نکته:

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای اعرافی از کارشناسان مسائل تربیتی است که عمری را در این راه سپری کرده است. در خصوص مسائل و مشکلات جوانان، سؤالاتی از محضر ایشان داشته‌ایم که قسمت اول آن را ملاحظه فرمودید. اینک آخرین قسمت از این گفت و گو تقدیم می‌گردد. امید که قبول نظر آشنا دیداران جوان افتد.

دیدار: تربیت نیاز به الگو دارد. به نظر شما، سالم‌ترین و بهترین الگو در جامعه ما، برای جوانان چیست؟

اصولاً الگو به گرایش‌ها و علاقه‌های اولیه، که به شکلی در انسان وجود دارد، مربوط می‌شود؛ یعنی، انسان می‌خواهد مظهر تام و کمالش را پیدا کند. به همین دلیل، ناخودآگاه به سمت آن کشیده می‌شود؛ این یک تحلیل روان‌شناختی از الگو است.

نکته دیگر این که همه ما بطور ناآگاهانه تحت تأثیر الگوهای فراوانی قرار می‌گیریم. اگر ما خودمان را تحلیل کنیم، به خوبی می‌توانیم بفهمیم در دوره نوجوانی چه الگوهایی ما را به سمت خود سوق داده است. در دوره جوانی و نوجوانی الگو نقش بسیار مهمی در زندگی دارد؛ زیرا غرایز گوناگونی در انسان وجود دارد و زمینه‌های الگوپذیری متعددی نیز در انسان هست. اما



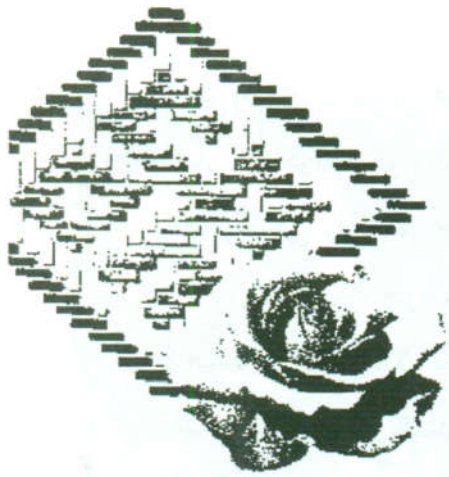
شیوه‌های هنری، الگوهای اصیل
گذشته را پرجاذبه کنیم.

نکته دیگری که در این باره مطرح است
این که ادبیات و هنرهای ادبی در هدایت
نسل جوان، نقش بسیاری دارد. همه این‌ها
بحث‌های نظری و کلی مسأله بود. مشکلات
جدی اقتصادی و مانند آن هم هست که
نقش بازدارنده دارد و نمی‌توان آن‌ها را
دست کم گرفت.

مدتی قبل، هم‌زمان با ایام تاسوعا و
عاشورا سفری به کرمانشاه داشتم، از قریب
بیست، سی شهر عبور کردیم تا به کرمانشاه
رسیدیم. به هر شهری که می‌رفتیم، دو نکته
جلب نظر می‌کرد: یکی این‌که مشعل
عزاداری ابا عبدالله علیه السلام به این شکل
عواطف، هیجانات و احساسات جوانان را

مهم این است که ما به کدام الگو
اهمیت بیشتری بدهیم. این مسأله
باز می‌گردد به آن نکته که ما باید با به کار بستن
شیوه‌های هنری، الگوهای معنوی را پرجاذبه
کنیم. بنابراین، کاربرد هنرها و فنون در این
زمینه نقش مهمی دارد.

یکی از الگوهای فوق‌العاده پرجاذبه
برای جوانان، دوران دفاع هشت‌ساله است.
منتهی این الگوها را کسی می‌تواند تجربه
کند که در جنگ قرار گرفته باشد. یا
اسوه‌های بسیار ارزشمندی مانند حضرت
امام راحل علیه السلام. باید برای نسل جوانمان با



به خود جذب کرده
است و هر جا قدم
می‌گذاری این مشعل
را روشن، زنده و برافروخته
می‌بینی. گذشته از آن، هر جا
می‌رفتیم احساس می‌کردیم با نسل
جوان مواجه هستیم. در هر صورت،
مشکلات مسکن، ازدواج و شغل جوان از
جمله مواردی است که اگر ما نتوانیم
پاسخ‌گوی آن‌ها باشیم، هر قدر هم در این
زمینه‌ها کار کنیم، ضعف کارمان مشهود
است. امروز نگرانی مهم نسل جوان ما غیر
از بحث ازدواج، آینده شغلی است؛ هر کسی
باید در جوانی، دورنمای روشنی از آینده
خود ببیند؛ زیرا تیره و تار بودن جایگاه و
منزلت آینده عامل مخربی است. این از
جمله بحث‌های کلان اجتماعی است؛ یک
مسئله خانوادگی و فردی نیست. بنابراین،
باید سیاستمداران و سیاست‌گذاران ما به آن
توجه داشته باشند ما با انبوه جوانان
تحصیل‌کرده و غیر تحصیل‌کرده مواجهیم
که اگر امروز آینده روشنی برایشان ترسیم

نکنیم، با مشکلات روانی فراوانی رو به رو
خواهند شد. ممکن است ما سال‌های بعد
برای جوانان شغل ایجاد کنیم، ولی این
کافی نیست. جوان باید احساس کند که
آینده‌اش روشن و تأمین است.

دیدار: ما چگونه باید به جوانان و
نوجوانان خودمان الگوهای مثبت
بدهیم که به دنبال الگوهای منفی
نروند؟
فرهنگ ما سرشار از اسوه‌ها و الگوهای

مثبت است. ما برای همه مقاطع سنّی و اقشار گوناگون الگو و نمونه اعلا داریم. اما باید فرهنگی را که در خانواده‌های دینی ما به صورت سنّتی وجود دارد یا در حوزه‌های ما هست - که معمولاً الگو را با یک بیان نوشتاری معرفی می‌کنند - متحول نماییم؛ باید مراکزی باشند که دایم الگوها را بازسازی کنند.

اخیراً جوان ۲۵ ساله‌ای را دیدم که قرآن را در مدت کوتاهی به نظم درآورده بود. ترجمه منظوم قرآن کار جالبی است. اگر ما بخواهیم کسی را با قرآن آشنا کنیم یک راه، آن است که کلاس قرآن برگزار کنیم. راه دیگر آن است که قرآن منظوم را به او معرفی کنیم. قرآن منظوم کسانی را که به این نوع ترجمه گرایش دارند، جذب می‌کند.

به یاد می‌آورم یکی از استادان دانشگاه که مسئولیتی هم دارد، در جمع تعدادی دانشگاهی و جوان غزلی خواندند که مضامین آن برگرفته از سوره ضحی بود. این قدر این غزل پرجاذبه بود که تصور می‌کنم جوانانی که آن‌جا بودند تا مدتی جذب مضامین آن بودند. این نمونه‌ای از تنوع شیوه‌های بیانی به شکل هنری و فنی است که متأسفانه ما در این زمینه ضعیف هستیم. یک غزل که حاوی مضامین قرآنی باشد، نسبت به قرآن انس ایجاد می‌کند.

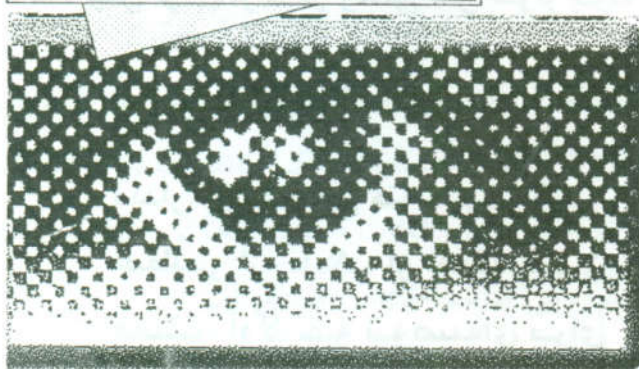
ادبیات، هنر، فیلم و تئاتر، همه می‌تواند جاذبه‌دار باشد.

وقتی که حضرت ابا عبدالله علیه السلام خبر شهادت را به حضرت علی اکبر علیه السلام دادند، سؤال کرد: آیا در آن هنگام ما برحقیم؟ حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: به خدا قسم، ما برحقیم. آن‌گاه حضرت علی اکبر علیه السلام می‌گوید: «فاذن لأبالی بالموت»؛ پس از مرگ هراسی نیست. این یک الگوی پرجاذبه و دلرباست که می‌تواند جمع زیادی از جوانان را جذب کند. اگر ما همین جمله را در قالب‌های گوناگون بریزیم و به هزار شیوه و بیان درآوریم، هر قالب آن می‌تواند جمعی را جذب کند.

این نکته را هم باید بیفزاییم که ما نباید هیچ وقت با الگوهایی که امروز جاذبه دارد، برخورد تند احساسی و بی مقدمه داشته باشیم؛ نباید با الگوهایی که مباح است - مانند الگوهای ورزشی که ممنوع هم نیست - بدون زمینه‌سازی برخورد کنیم. به عبارت دیگر، حذف یک الگو بدون دادن الگوی جذاب دیگر کار موفق نخواهد بود.

دیدار: آیا فقط کسانی که در دوره سنّی خاصی قرار دارند دنیای جوان را درک می‌کنند؟

از خصوصیات و توانایی‌های انسان این



داشتند. یک وقتی مقام معظم رهبری فرمودند: زمانی که در ایرانشهر تبعید بودم، احساس می‌کردم که ایشان (آیه‌الله اعرافی) در همان سن هفتاد سالگی که به دیدن من آمده بود، شور و نشاط یک جوان را دارد.

دیدار: الگوهای شما در دوران جوانی‌تان چه کسانی بوده‌اند؟

برای خود من در دوره نوجوانی و جوانی، الگوهایی وجود داشت که همیشه همراهم بود، اگرچه در تأسی به آن‌ها زیاد موفق نشدم. ولی به هر حال برایم پرجاذبه بود.

است که می‌تواند علی‌رغم گذر عمر، جوانی خودش را حفظ بکند. این از توانایی‌های جالب انسان است که می‌تواند نشاط و شادابی خود را در حد بالایی حفظ کند. افراد موفقی که بتوانند نشاط و انگیزه‌های جوانی خود را حفظ کنند و تجربه و پختگی سنین بعد را نیز به آن ضمیمه کنند، معمولاً انسان‌های قهرمان و بزرگی خواهند شد. البته، همه در یک سطح نمی‌توانند این شور و نشاط و انگیزه جوانی را حفظ کنند، ولی انسان‌هایی مثل امام رحمه‌الله واقعاً در هشتاد سالگی هم مانند جوان باانگیزه، علاقمند و امیدوار بودند. کمابیش همه باید این تجربه‌های جوانی را در خودشان بازسازی کنند و نگذارند فراموش شود. این یکی از رمز و رازهای موفقیت در تربیت است.

دیدار: با توجه به این‌که ابوی حضرت‌عالی، حضرت آیه‌الله اعرافی رحمه‌الله از جمله کسانی بودند که حتی در سنین بالا، روحیه و نشاط جوانی خود را حفظ کرده بودند، از خاطراتی که از ایشان به یاد دارید برایمان یگویید.

ایشان از چهره‌هایی بودند که در سن هفتاد، هشتاد سالگی هم مثل یک جوان، روحیه‌ای امیدوار، علاقه‌مند و انقلابی

الگوهای مثل حضرت امام علیه السلام، علامه طباطبائی علیه السلام، مرحوم شهید مطهری علیه السلام، مرحوم شهید صدر علیه السلام و تعدادی از شخصیت‌های دیگر. این‌ها الگوهایی بودند که ناخودآگاه مرا جذب کردند. در سنین هیجده، نوزده سالگی که مقداری در درس شهید مطهری علیه السلام شرکت می‌کردم در سطح بالایی، در حال و هوای آن زمان، الگویم را در ایشان می‌دیدم و تصور می‌کنم او بیش از دیگران در زندگی من مؤثر بوده است.

دیدار: از آنجایی که امروز قشر عظیمی از طلاب از طبقه جوان هستند، اولاً، چه توصیه‌ای برای این قشر دارید؟ ثانیاً، ما چگونه می‌توانیم با به کاربردن یک شیوه جذاب، جوان‌ها را بیشتر به خودمان جذب کنیم؟

اولاً، ما شخصیت‌های برجسته‌ای را در حوزه داریم که طلبه‌های جوان می‌توانند از میان آن‌ها، الگوهای مناسبی انتخاب کنند. ثانیاً، طلبه امروز ما، باید به نکاتی که در آغاز صحبت به آن‌ها اشاره کردم بیش از همه توجه داشته باشد. باید بداند که یک جوان عادی و معمولی نیست، بلکه رسالت سنگینی بر دوش دارد. این را هم باید

دانست که ایفای این رسالت در سختی‌های دنیای معاصر و برخوردهای فکری، که وجود دارد، کار دشواری است و البته کاری لذت‌بخش و ارزشمند. اگر طلبه ما آرمان‌خواه و ارزش‌گرا باشد و الگوهای بالایی برای خودش انتخاب کند، می‌تواند برای آینده‌اش مؤثر باشد. طلاب و فضلاء جوان و متعهد باید در قبال آرمان‌ها و رسالت‌های والای خود در این عصر، احساس مسئولیت جدی داشته باشند و خود و حوزه را آماده انجام آن رسالت‌ها و ایفای نقش فکری، اخلاقی و معنوی مؤثر متناسب با زمان بنمایند. تأسی به الگوهای متعالی حوزه‌های دینی و چهره‌های اندیشمند و زمان‌شناسی مانند شیخ مفید، شیخ طوسی و امام خمینی علیه السلام می‌تواند راهگشا باشد. طلبه جوان حوزه باید بداند آینده حوزه به عالمان روشن‌اندیش و زمان‌شناس و متخلق به اخلاق الهی نیاز دارد و برای آن هدف و آن روزگار باید آماده شود. ■

دیدار: از این‌که وقت شریف‌تان را به این مصاحبه اختصاص دادید متشکریم، امیدواریم در فرصت‌های بعدی بتوانیم مسائل دیگری را مطرح کنیم.